

متهم در دادگاه «قتل» را به گردن همدست فراری اش انداخت

20 مهر 1404

پرونده دو پسر جوان که متهم‌اند در یک نبرد خیابانی با ضربات شمشیر و چاقو هم‌محلی خود را به قتل رسانده‌اند در حالی به دادگاه کیفری یک استان تهران رسید که یکی از آنها هنوز متواری است.

نیمه شب تابستان سال گذشته گزارش یک درگیری مرگبار در خیابان کرمان به پلیس پایتخت اعلام شد. پس از حضور مأموران و بررسی‌های اولیه مشخص شد که جوانی به نام شاهرخ با ضربات متعدد جسم برنده به قتل رسیده است.

بررسی‌های اولیه پلیسی نشان داد دو جوان موتورسوار بعد از درگیری با مقتول از محل گریخته‌اند. 40 روز بعد از این جنایت پسر 23 ساله‌ای به نام حامد با مراجعه و معرفی خودش به پلیس آگاهی مدعی شد او و دوستش بهرام با شاهرخ درگیر شده‌اند.

پس از بازداشت حامد تلاش پلیس برای دستگیری همدستش بی‌نتیجه ماند و سرانجام برای هردو نفر به اتهام مشارکت در قتل و مشارکت در ضرب و جرح کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص و برای ضرب و جرح درخواست دیه کردند. خواهر مقتول نیز به قضات گفت: «متهمان فقط برادرم را نکشتند بعد از فوت برادرم مادرم از غصه دق کرد و مرد. ما به هیچ عنوان حاضر به رضایت نیستیم.»

سپس متهم به جایگاه رفت و با رد اتهام قتل و در تشریح ماجرا به قضات گفت: «ساعت 1 بامداد در بودم که دوستانم به من گفتند شاهرخ دنبال تو می‌گردد و می‌خواهد تو را بزند. من برای اینکه درگیری پیش نیاید به مغازه جگرکی در خیابان رسالت رفتم که بهرام هم آنجا بود. با هم جگر خوردیم و الکل هم مصرف کردیم، بعد سوار موتور شدیم و می‌خواستیم به خانه ما برویم که بین راه شاهرخ ما را دید و با موتورش به ما کوبید. بعد هم با دو قمه که داشت من و بهرام را زد. من 8 ضربه خوردم و برای دفاع از خودم شمشیرم را بیرون کشیدم و یک ضربه سطحی به پشت کتفش زدم. پس از آن هم به او گفتم از هردوی ما خون زیادی می‌رود تمامش کن و برویم. بعد هم من به خانه رفتم.»

متهم افزود: «من نمی‌دانستم شاهرخ مرده است چون بعد از آن شب به ترکیه رفتم و یک ماه بعد که برگشتم موضوع را شنیدم و خودم را به پلیس معرفی کردم.»

قاضی پرسید: «چرا خودت را معرفی کردی؟»

متهم گفت: «چون بی‌گناه بودم و ضربه من کشنده نبود. بهرام ضربات کشنده را زد. با خودم گفتم من که کاری نکردم بهتر است خودم را معرفی کنم.»

در ادامه وکیل متهم به قضات گفت: «موکلم در همه مراحل بازجویی منکر قتل شده و خودمعرف بوده چون می‌دانسته کاری نکرده. در فیلم دوربین مداربسته هم مشخص است که جراحات عمیق را بهرام زده بود.»

قاضی در پاسخ به وکیل متهم گفت: «موکل‌تان در دادسرا به صراحت اتهام قتل را پذیرفته و اعتراف کرده است. در بحث 8 ضربه قمه هم پزشکی قانونی اعلام کرده هیچ جای قمه‌ای در بدن متهم رؤیت نشده و فقط یک جوشگاه قدیمی دیده شده است.»

پس از آن وکیل متهم متواری به جایگاه رفت و گفت: «فیلمی که همکارانم از آن صحبت می‌کنند معلوم نیست تا چه حدی قابل اتکا است. شاید با هوش مصنوعی ساخته شده باشد. در مورد اتهام موکلم باید بگویم او یک بار به من گفته نه مقتول را می‌شناخته و نه با او خصومتی داشته. اختلاف میان حامد و شاهرخ بوده آنها به هم حمله کرده‌اند.»

قاضی از وکیل بهرام پرسید: «موکل شما علی‌رغم درج آگهی در جراید هنوز خودش را تسلیم نکرده با توجه به اینکه شما وکیل تعیینی او هستید آیا از او خبری دارید؟»

وکیل بهرام گفت: «خبر خاصی ندارم یکبار همان اوایل که وکالتش را به عهده گرفتم او را دیدم و بعد از آن هم دیگر خبری ندارم.»

در ادامه این جلسه وکیل اولیای دم به جایگاه رفت و گفت: «متهم روز اول خودمعرف به پلیس رفته و خودش را قاتل معرفی کرده بعد از اینکه وکیل گرفته حالا ادعا می‌کند فقط یک ضربه سطحی با شمشیر زده است. اما عکس‌هایی که از مقتول دیدم نشان می‌دهد که ضربه شمشیر آنقدر عمیق بوده که مرحوم را از پا انداخته است.»

متهم در دفاع آخرش گفت: «وقتی خودم را معرفی کردم از من پرسیدند مشارکت در قتل را قبول‌داری من فکر می‌کردم مشارکت یعنی همان ضربه سطحی با شمشیر است وقتی به زندان رفتم فهمیدم به قتل اعتراف کرده‌ام و مجازاتم قصاص است.»

قاضی پرسید: «شمشیر را کجا پنهان کرده بودی؟»

متهم گفت: «زیر زین موتورم جاسازی کرده بودم.»

در پایان وکیل اولیای دم گفت: «آنها به گفته خودشان برای قدرتمایی در محل دست به این کار زده بودند و با نقشه شاهرخ را کشته‌اند. بهرام که حالا متواری است شب حادثه جشن تولدش بوده و چاقویی هدیه گرفته و دوستانش به او گفته‌اند این کادو برای زدن شاهرخ!»

قاضی از متهم پرسید: «آیا آن شب بهرام چنین کادویی گرفت؟»

متهم گفت: «بله. اما در جریان ماجرای بعد از آن نیستم.»

با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

کامران علمدهی